

## بررسی و تحلیل فعالیت‌های فرهنگی در بالکان

سخنران: جناب آقای دکتر محمد جواد آسایش  
(سفیر سابق ایران در کرواسی و یوگسلاوی)

### اشاره:

در تاریخ ۲۹ بهمن ماه ۱۳۸۸ در پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی<sup>(ص)</sup> برای بررسی فعالیت‌های فرهنگی در منطقه بالکان نشست علمی با حضور مسئولان پژوهشگاه، اندیشمندان، پژوهشگران و برخی از نخبگان بالکانی حاضر در ایران برگزار گردید.

در این نشست اهداف زیر مورد نظر بود:

- ✓ بازشناسی فعالیت‌های فرهنگی و دینی جمهوری اسلامی ایران در بالکان؛
- ✓ بررسی و تحلیل وضعیت و جایگاه مسلمان منطقه؛
- ✓ بررسی تحولات جدید در کشورهای اسلامی بالکان؛
- ✓ نگاهی به فعالیت‌های رقبای دینی و آموزشی در منطقه؛
- ✓ شناخت و بررسی چالش‌های فرهنگی - اجتماعی و دینی موجود در بالکان؛
- ✓ فرصت‌ها و تهدیدهای موجود در عرصه فرهنگی و دینی در منطقه؛
- ✓ فرصت‌های فراروی جامعه المصطفی<sup>(ص)</sup> در عرصه آموزشی و دینی بالکان.

سخنران این نشست جناب آقای دکتر محمد جواد آسایش سفیر سابق ج.ا.ا در کرواسی مطالب قابل توجهی را ارائه فرمودند که جهت استفاده پژوهشگران و علاقمندان به مطالعات منطقه‌ای در این شماره عرضه می‌شود.

دیر نشست (آقای محمد قربان‌پور):  
در نشست علمی امروز فعالیت‌های فرهنگی در بالکان بررسی و تحلیل می‌شود. امید است با هم‌اندیشی صاحب‌نظران حاضر در جلسه، مباحث خوبی را شاهد باشیم.



## موقعیت بالکان

منطقه بالکان - در جنوب شرقی اروپا - شامل کشورهای، آلبانی، بلغارستان، اسلونی، ترکیه (بخش استانبول)، کراوسی، مونته‌نگرو، یونان، رومانی، بخش جمهوری خودمختار صربستان - بخش کوزوو - صربستان و مقدونیه می‌باشد که بالغ بر ۵۲۰۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت و ۵۰ میلیون نفر (به جز بخش استانبول) جمعیت دارد. حدود دو سوم این تعداد را مسیحیان ارتدوکس تشکیل می‌دهند که بیشتر این‌ها در صربستان، مونته‌نگرو، یونان و مقدونیه ساکن هستند و پس از آن‌ها مسلمانان در رتبه دوم هستند که اینها در کشورهای: آلبانی بالغ بر ۷۰ درصد، بوسنی بالغ بر ۴۰ درصد، کوزوو بالغ بر ۹۰ درصد، مقدونیه بالغ بر ۳۰ درصد، بلغارستان بالغ بر ۲۰ درصد و در مونته‌نگرو بیش از ۱۰ درصد ساکن هستند. در رتبه سوم، مسیحیان کاتولیک هستند که در منطقه بالکان سکونت دارند و حدود ۵ میلیون نفر را تشکیل می‌دهند و بیشتر در کشورهای اسلونی، کراوسی، بوسنی و تعداد کمی هم در آلبانی ساکن می‌باشند. یهودیان نیز کمتر از صد هزار نفر هستند که در این منطقه حضور دارند.

ترکیه در فعالیت‌های اسلامی این منطقه نقش موثری دارد؛ شاهد این مطلب آن است که در سال ۲۰۰۸ در استانبول جلسه‌ای برگزار شد که بسیاری از مفتی‌های کشورهای بالکان در آن حضور یافته و اظهار داشتند که بعد از امپراطوری عثمانی ما در منطقه یتیم مانده‌ایم و اعلام کردند که ترکیه مادر ماست.

موضوع حضور مسلمانان و جایگاه علوی‌ها و فرقه‌های دراویش، صوفی‌ها و بکتاشی‌ها در این منطقه حائز اهمیت است، عده زیادی از محققان معتقدند ورود اسلام به این منطقه قبل از امپراطوری عثمانی بوده است. حضور علوی‌ها و دراویش در منطقه مشهود بوده و حدود ۸۰۰ سال قبل شخصی به نام ساری سالتیک وارد منطقه بالکان می‌شود و قبل از آن هم اسنادی نسبت به حضور اسلام در منطقه وجود دارد.

بعضی از آداب و رسوم بکتاشیه و علوی‌ها آداب و رسوم اختصاصی آنها است. علوی‌های این منطقه به شخصیت امام علی<sup>(ع)</sup> اهمیت ویژه‌ای قایل هستند حتی در ۲۲ مارس مصادف با اول نوروز، جشن میلاد می‌گیرند و حضرت امیر<sup>(ع)</sup> را سلطان نوروز خطاب می‌کنند، و در برخی کشورها این منطقه از جمله: آلبانی، کوزوو و مقدونیه در ۲۵

آگوست در یادمانی، حضرت عباس<sup>(ع)</sup> را گرامی می‌دارند.

بالکان به واسطه حضور مسلمانان بومی و نه مهاجر و جایگاه ویژه‌ای که کشورهای منطقه در عرصه سیاسی دارند، همچنین جایگاه ایران و پیشینه فرهنگی کشورمان در منطقه و بسیاری از نکات دیگر برای ما اهمیت بسزایی دارد.

در خدمت جناب آقای دکتر آسایش، از مسئولین دیپلماسی ایران هستیم. ایشان سفیر جمهوری اسلامی ایران در یوگسلاوی سابق و کرواسی و بوسنی بوده‌اند، اکنون نیز مدیرکل آموزش و ارزشیابی و مسئول گزینش وزارت خارجه هستند. تالیفاتی نیز در خصوص منطقه بالکان، از جمله: بررسی مشکلات کوزوو، بحران بوسنی، تاریخ مسلمانان در جنگ یوگسلاوی با بوسنی، کتاب سبز کرواسی را دارند و صاحب مقالاتی از جمله: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و نگاه ایران به همسایگان و... می‌باشند.

### ورود اسلام به منطقه بالکان

**دکتر آسایش:** همانطور که عنوان شد بنده از سال ۶۵ در یوگسلاوی سابق به عنوان سفیر فعالیت داشتم و بعد از بحران هم در کرواسی بودم با توجه به خصوصیت جامعه المصطفی<sup>(ص)</sup> و حضار جلسه که در زمینه‌های دینی و مذهبی تحقیق می‌کنند، سعی می‌کنم حاصل مطالعات و تجربیاتی را که از منطقه دارم عرضه نمایم.

**ورود اسلام به اروپا از سه مدخل تنگه جبل الطارق، بالکان، قفقاز صورت گرفته** که قبل از همه، از طریق تنگه جبل الطارق بوده است. در سال ۹۳ هجری، همزمان با حیات حضرت سجاد<sup>(ع)</sup> آندلس فتح می‌شود، ولی منطقه استانبول یعنی بالکان همواره بسته بوده است. تا این که در قرن پانزدهم بوسنی و مناطق دیگر به دست مسلمانان فتح شد. نکته قابل توجه این است که کوزوو به دست عثمانی‌ها خیلی زودتر از استانبول فتح شده است. عثمانی‌ها که مرکز حکومتشان شهر بوسا - شهری که حضرت امام خمینی<sup>(ره)</sup> در زمان تبعید به ترکیه در آن شهر ساکن شدند - همان شهری که هسته اولیه عثمانی‌ها در آن شکل گرفته است و مرکز حکومت عثمانی‌ها در سال ۱۳۸۹ میلادی بوده است. در قرن ۱۴ کوزوو در جنگ قازینستان به دست عثمانی‌ها فتح شده است در حالی که استانبول بعد از پنجاه سال فتح شده است. مدخل سوم اسلام به اروپا از راه قفقاز است، این در حالی است که معمولاً در تحقیقات و نوشته‌ها محققان ایران کمتر

به این مورد توجه می‌شود، قبل از آن که قسمت استانبول فتح شود، رفت و آمد مسلمانان به اروپا از راه قفقاز بوده است. که این مسأله جای تحقیق فراوان دارد.

منطقه بالکان در چهارصد سال اخیر، بعد از فتح عثمانی‌ها همیشه محل تلاقی و درگیری پیروان اسلام، مسیحیت ارتدوکس و مسیحیت کاتولیک بوده است. ممکن است در بعضی موارد، مرزها به علت درگیری‌های منطقه جلوتر و عقب‌تر رفته باشد ولی همیشه محل تماس این سه گروه بوده و هنوز هم است. نکته مهم این است که دین و ملیت تقریباً با هم منطبق هستند. یعنی مسیحیت کاتولیک همیشه کروات‌های منطقه هستند به صورتی که یک کروات نیست که یا مسلمان باشد یا ارتدوکس، اگر کسی کاتولیک باشد، صد در صد کروات است. یا مسیحیان ارتدوکس از صرب‌ها، اسلاوها و مقدونیه‌ها و مونته‌نگرویی‌ها تشکیل می‌شوند. اما وضعیت مسلمانان مقداری متفاوت با آن دو قوم و ملیت دیگر است. چون در بالکان ملیت آلبانیایی یعنی همان مسلمانان. زیرا قبل از این که این منطقه توسط عثمانی‌ها فتح شود اسلام شیعی از راه قفقاز وارد بالکان و مجارستان شده و مردم مسلمان شده بودند. اسنادی وجود دارد که پادشاه آلمان در قرن ۱۵ دستور می‌دهد که باید جمعیت مسلمانان مجارستان به زیر ۵۰ درصد کاهش یابد. این اسناد نشان‌دهنده این است که جمعیت مسلمانان مجارستان در آن زمان از ۵۰ درصد بالا بوده است. در مجارستان، در کنار رود دانوب یک مجسمه‌ای است که در بین مردم معروف است که صاحب این مجسمه، در قرن ۱۸ وقتی که به رم رفته و مذهب کاتولیک را انتخاب کرده است و وقتی که می‌خواسته برگردد مردم به او حمله کرده‌اند و از کوه پرتاب و کشته شده است. برای من سوال شد که مذهب او چه بوده که به خاطر این که کاتولیک شده کشته شده است؟ و بعد تحقیق کردم که مذهب مجارستان قبل از آن اسلام بوه است.

در کرواسی یک سمینار اسلام شناسی برگزار شد و آقای عمر باشیچ مفتی کرواسی، در آن سمینار در سخنرانی خود گفت: به خاطر تعصبی که در عثمانی بوده، آن تاریخی که مربوط به شیعیان و مسلمانان ایرانی در منطقه بوده است تقریباً کمرنگ شده است که البته صحبت‌های او در کتابی که در این زمینه نگاشته‌ام به صورت کامل درج شده است. ولی در این اواخر یعنی حدود صد سال اخیر بوسنی جزو دولت عثمانی بوده و بعداً در سال ۱۸۷۸ جزو امپراطوری اتریش و بعد از جنگ جهانی اول از آن جدا شده و مجدداً در زمان تیتو، تشکیل شده است.

وضعیت مسلمانان در منطقه بالکان به این صورت است که دو گروه عمده مسلمان در آن هستند. یک عده از آن‌ها آلبانیایی نژادها و یک عده‌ای هم بوسنیایی‌ها هستند، ضمن این که هر دو مسلمان هستند یک تفاوت‌هایی با هم دارند.

### جایگاه و نقش ایران در منطقه بالکان

ارتباط ایران با منطقه بالکان، تاریخی و بسیار دیرینه است. به غیر از مسلمانان، حتی صربها و کروات‌ها هر کدام به نوعی ارتباطاتی با ایران داشته‌اند و دارند. قاضی خسرویگ که از شخصیت‌های اصلی مسلمانان در بوسنی یا در آن منطقه است. نامش از نام‌های فارسی یعنی خسرو هست و اسم پدرش هم فرهاد بیگ است و حتی وقفنامه مسجد قاضی خسرویگ به زبان فارسی است که حدود پانصد سال پیش نوشته شده است. این نشان می‌دهد که حضور ایران در آنجا قدمت فراوانی دارد. اطراف محله مسجد قاضی خسرویگ به نام ایران است. گفته می‌شود در زمان قدیم که جاده ابریشم فعال بوده است در قسمت انتهایی جاده ابریشم از سارایوو یک دوراهی وجود داشته است که یک راه آن به سوی شهر دوبروونیک که جزو کرواسی است و یکی هم به شهر ونیز می‌رفته است. در واقع سارایوو سه راهی این جاده بوده است و مقر ایرانی‌ها در آن زمان شهر سارایوو بوده است. نکته قابل توجه این است که تشکیلات مسلمانان در سارایوو، بسیار سازماندهی شده و پیشرفته است و هیچ وقت هم متکی به دولت نبوده، حتی تشکیلات روحانیت آن‌ها در زمان کمونیستی بسیار به تشکیلات ما شبیه است تا تشکیلات دولتی که در کشورهای دیگر وجود دارد.

علاقه مردم آنجا به جمهوری اسلامی و ایران واقعاً خوب و از پیشینه تاریخی هم برخوردار است. زمانی که مقام معظم رهبری - در اسفند سال ۶۷ - در دوره ریاست جمهوری خود به بلگراد تشریف آوردند روز دوم اسفند از سارایوو بازدید داشتند، بعد از بازدید از سارایوو و صحبت‌هایی که در دانشکده محل کرسی زبان ادبیات فارسی داشتند، به بنده فرمودند که نهج البلاغه را ترجمه نمایید و تأکید کردند که حتماً این کار، چه به لحاظ خود ترجمه و چه به لحاظ چاپ، وزین باشد. در آن زمان، جامعه اسلامی زاگرب این کتاب را چاپ کرد. به لحاظ ادبی هم نهج البلاغه دومین متن ادبی بوسنیایی می‌باشد که در فرهنگستان بوسنی ثبت شده است.

در بوسنی، به خصوص بعد از بحرانی که پیش آمد، رقیب‌های سرسختی برای ج.ا.ا. به وجود آمد و الان نیز وجود دارند. مذهب مسلمانان بوسنی مذهب حنفی است، البته

دراویش و گروه‌های دیگر هم هستند. اما مذهب اصلی در بالکان حنفی است. ولی به لحاظ تعصب، مانند حنفی‌های دیگر نیستند. شاید به خاطر این که مسلمانان منطقه باسوادتر هستند و با دشمنان اسلام برخورد مستقیم‌تر دارند، بیشتر به مسائل علمی و اصلی اسلام می‌پردازند. همچنین ارتباط آن‌ها با ایران نیز ارتباطات خوبی است. یک نکته خاص دیگری که در بالکان است، مربوط به کروات‌ها می‌شود، کروات‌ها مدعی هستند که اصالتاً ایرانی هستند و روی این موضوع تأکید دارند. کتاب‌هایی هم در این زمینه چاپ شده است. البته انگیزه اولیه این‌ها این است که بگویند ما صرب نیستیم و برای اثبات این که بگویند صرب نیستیم دنبال یک مطلب دیگری رفته‌اند و با توجه به اسناد تاریخی که وجود داشته است مدعی ایرانی بودن می‌باشند. این موضوع هم یکی از سنگ‌های زیربنایی ما در بالکان است. این موضوع در کمک رسانی ما در زمان جنگ بوسنی بسیار مفید بود. البته اصل سند تاریخی که در این موضوع وجود دارد این است که در کتیبه داریوش<sup>۱</sup>، که در آن داریوش<sup>۲</sup> دوازده قوم ایرانی را نام برده است، یکی از اقوامی که در آن ذکر شده است کروات‌ها هستند. این سند ثابت می‌کند که کروات‌ها ایرانی هستند و آن‌ها هم با استناد به این موضوع، مدعی ایرانی بودن هستند. تعامل عثمانی‌ها پس از فتح بالکان با صرب‌ها بسیار خوب بوده و صرب‌ها نیز با عثمانی‌ها خیلی خوب همکاری می‌کردند؛ حتی اسم بلغراد حدود دویست سال دار الجهاد بوده است. تا این که در جنگی که بین روس و عثمانی در رومانی فعلی رخ می‌دهد، کشیش کلیسای ارتدوکس فتوایی کفر مسلمانان را صادر می‌کند و به مردم منطقه فتوای درگیری با مسلمانان را می‌دهد و با توجه به اینکه مذهب صرب‌ها ارتدوکس می‌باشد، درگیری صرب‌ها با مسلمانان پس از صدور آن فتوا، شروع می‌شود. از خصوصیات بارز صرب‌ها این است که ملت جنگجویی در منطقه بوده‌اند و به لحاظ استقلال طلبی وضعیت خوبی نیز داشته‌اند. با توافقات ایران با صرب‌ها بر سر بسیاری از مسائل به لحاظ درگیری صرب‌ها با مسلمانان ارتباطات ما با آن‌ها بسیار ضعیف می‌باشد. اما بر خلاف این موضوع با کروات‌ها در مسائل اصولی کمتر توافق داریم ولی به لحاظ ارتباط خوب کروات‌ها با مسلمانان مناسبات فراوانی با آن‌ها داریم.

<sup>۱</sup> کتیبه ای که در زمان حفر کانال سوئز کشف شد.

<sup>۲</sup> از پادشاهان سلسله هخامنش ایران

**سوال:** گروه‌های مسلمان و حرکت‌های اسلامی که در بالکان وجود داشته‌اند در مناسبات سیاسی و اجتماعی در منطقه به چه میزان تاثیرگذار بوده‌اند؟

**دکتر آسایش:** جنگ بوسنی در سال ۱۹۹۰ میلادی و مسائلی که در بوسنی اتفاق افتاد، در واقع مربوط به مسئله اسلام و مسلمانان بود، مسلمانان در آن منطقه یکی از بهترین مسلمانان منطقه و حتی جهان هستند؛ چه از لحاظ پایبندی به مسائل اسلامی و چه به لحاظ دفاع از اسلام. در اوایل انقلاب در بوسنی حافظان قرآن بیشتر از ایران بودند البته الان وضعیت به این صورت نیست. با وجود این که مذهب مسلمانان منطقه تسنن است. اما آن‌ها به طلاب خودشان مسائل شیعه را هم یاد داده‌اند البته طرز فکر آن‌ها با اهل سنت کشورهایی چون عربستان متفاوت می‌باشد. آن‌ها مخالف تفرقه افکنی بین شیعه و سنی می‌باشند.

مسائل آن منطقه را باید در ظرف خودش سنجید، چرا که مسیحیان ارتدوکس و مسیحیان کاتولیک، سنگربندی‌های خودشان را کرده‌اند. کاتولیک‌ها را اروپای غربی پشتیبانی می‌کند و ارتدوکس‌ها را روسیه اما مسلمانان هیچ پشتیبانی ندارند. نه روسیه و نه اروپای غربی از آن‌ها پشتیبانی نمی‌کنند و سعی در نابودی آن‌ها دارند. و از یک طرف چون بالکان از لحاظ استراتژیک یک منطقه جهانی است و آمریکایی‌ها در آنجا حضور دارند، آنها برای ادامه حضور خود از مسلمانان بوسنی پشتیبانی می‌کنند. آن زمان اگر قرارداد دیتون نبود و نیز اگر آمریکایی‌ها دخالت نکرده بودند، معلوم نبود الان وضعیت مسلمانان در منطقه چه بود. به هر حال مسلمانان در مسائل منطقه تاثیرگذاری خوبی دارند.

**سوال:** با توجه به این که پایان‌نامه دوره دکتری بنده، «مبانی معرفتی اندیشه معاصر مسلمین بالکان» است و کار بسیار وسیعی را در این زمینه انجام داده‌ام، موقعی که به بحث غرب‌گرایی و شرق‌گرایی سیاسی مسلمین منطقه به خصوص اسلاوهای جنوبی توجه می‌کنیم، می‌بینیم که تا دهه نود، قرن متمدن، عموماً مسلمین شرق‌گرا بوده‌اند به لحاظ سیاسی و بعد از ورود اتریش و مجارستان به منطقه همه جنبش‌های مختلفی که می‌خواستند به نفع استقلال مسلمین کار کنند چون شرق‌گرا و به سمت عثمانی تمایل داشتند نزدیکترین همکار آن‌ها قوم صرب بود و بر این جهت مثلاً مفتی معروف

موستار علی فهمی جاویچ که یک جنبش وسیعی داشت و چه برادران اسپاهو که بعد از جنگ جهانی دوم از وزرای منطقه بودند مسلمان بودند و همیشه با صربها ائتلاف تشکیل می‌دادند و نشان می‌دادند که غرب‌گرایان سیاسی همیشه در اقلیت بودند و از دهه ۸۰ به بعد، غرب‌گرایی وارد اکثریت می‌شود. آیا جمهوری اسلامی ایران می‌تواند سهم بسیار بنیادین را به این معنا در منطقه داشته باشد که مسلمین منطقه را به شکلی با خودش همراه کند که آن مسلمین در عین حالی که به فکر استقلال و اعتلای معرفتی خودشان هستند به لحاظ اصول سیاست‌گذاری کلان دوباره شرق‌گرایی متقدم آن‌ها و مخالفت با غرب سیاسی به شکلی رشد کند که تعمیق روابط آن‌ها با صربستان در نهایت منجر به این بشود که جمهوری اسلامی ایران حتی از ترکیه هم بیشتر موثر باشد. در بحث شرق‌گرایی سیاسی آیا ایران می‌تواند مسلمین منطقه را با خود همراه کند تا مسلمین از غرب فاصله بیشتری بگیرند و در عین همکاری بیشتر و جدی‌تر با صربستان و روسیه بتوانند به فکر تأمین روابط استراتژیک با ج.ا.ا هم باشند؟

**دکتر آسایش:** البته منطقه سنجک که آقای خلیل اویچ هم از آنجا هستند. خودش یک داستان جدایی دارد ممکن است ایشان قلباً گله‌مند شود که چرا از آلبانیایی‌ها و بوسنیایی‌ها نام می‌برید در حالی که سنجکی‌ها یک موقعیت متفاوتی در بالکان دارند که بعداً در خصوص آنجا نیز توضیح داده خواهد شد.

موضوع مسلمانان در بالکان موضوع شرق‌گرایی یا غرب‌گرایی نیست. بلکه موضوع بقا است. در آنجا شرق و غرب موضع دارند. یعنی روسیه که از صرب‌ها طرفداری می‌کند مسلمانان با آن کار می‌کنند یا اروپای غربی همه پشتیبان کاتولیک‌ها هستند و سردسته اروپای غربی آلمان است و مسلمانان کاری نمی‌توانند کنند. ولی این طور احساس می‌شود که مسلمانان بالکان مثل آدم نیازمندی هستند که از هر جا کمک می‌گیرند. به غرب‌گرایی و شرق‌گرایی در بالکان بایستی به عنوان یک پدیده جامعه‌شناسی نگاه کرد نه به عنوان پدیده ایدئولوژیک چون آن‌ها برای ادامه بقای خودشان راهی دیگر ندارند.

تصور این است که با همه مشکلاتی که جمهوری اسلامی داشته است و بعد از انقلاب درگیر جنگ بوده و مشکلات خود را پشت سر گذاشته است، ولی در عین حال در مورد بالکان یکی از فعال‌ترین کشورها بوده است در حالی که هیچ توقعی از آنجا ندارد. به عنوان مثال، فرض کنید یک عربستانی که در منطقه می‌آید توقع آن‌ها از مردم



مثل توقع ما است. حتی روحانیون بزرگ ما که می‌روند آنجا مثل مهمان می‌روند و توقعی از کسی ندارند. ولی آن‌ها اگر یک قدم کمک کنند دو قدم توقع پیروی دارند. دیدم که بعضی از بزرگان منطقه ما که از آن‌ها پرسیدند در خصوص این موضوع چه کنیم آن‌ها گفتند اگر ما بودیم این کار را می‌کردیم ولی اینجا کشور شما است هر کاری که صلاح می‌دانید انجام دهید.

در هیچ کجا ما با آمریکا کوتاه نیامدیم حتی در مسائل جزئی ولی در بالکان به علت این که حرکت آن‌ها به نفع مسلمانان است در بعضی از چیزها سعی کردیم کنار بیایم. در سیاست رسمی ما نبوده و اعلام نکردیم ولی با هماهنگی‌هایی که داشتیم و با همکاری‌هایی که داشتیم با افراد مختلف این کار صورت گرفت. صربستان قبلاً دو استان خودمختار داشت، یکی کوزوو بود و یکی هم وی و دینا که اصالتاً مجاری بودند. میلو شویچ وقتی رئیس جمهور صربستان شد، خودمختاری این دو استان را لغو کرد. حالا بعد از استقلال کوزوو برای این که مجاری‌ها چنین ادعایی نکنند، مجدداً یک نوع خودمختاری به این استان داده‌اند که حالا ایران در صدد مذاکره با صربستان می‌باشد که کاری برای سنجکی‌ها انجام شود، سنجک هم بین کوزوو و مونته‌نگرو است. (مونته‌نگرو به معنی کوه سیاه است و در دوران عثمانی به اسم اسلامی جیل الاسود مطرح بوده است). در زمان یوگسلاوی سابق برای این که هویت سنجک را متلاشی کنند و در یوگسلاوی هویت نداشته باشند، آن را تقسیم کرده و نصف آن را به مونته‌نگرو و قسمت دیگر را به صربستان واگذار کردند. متها مکر دشمن باعث ضرر خودش شد. شاید اگر سنجک جزو مونته‌نگرو نشده بود، آنجا مستقل نمی‌شد. سنجکی‌ها آنجا بودند و در رفراندومی که انجام گرفت باعث شد که مونته‌نگرو مستقل شود.

**سوال:** در بحث مربوط به انجی‌اوه‌ای اسلامی، در زمان کمونیست‌ها بسیاری از مساجد تخریب شد و حتی در بعضی جاها تبدیل به استبل اسب‌ها شد و بعد از استقلال کشورهای بلوک شرق، همچنان بحث‌های حقوق آزادی‌های دینی مطرح می‌شود، چرا در برخی از مناطق بالکان با ساخت مساجد و قبرستان برای مسلمانان مخالفت می‌شود.

**دکتر آسایش:** در منطقه بالکان، مناطق بوسنی با مناطق آلبانیایی نشین فرق دارد و به خاطر این که آنجا همه مسلمان هستند و زمانی هم که در حزب کمونیست بودند

می‌گفتند که ما مسلمان هستیم و به عبارت دیگر، مسیحیان آن‌ها را قبول نمی‌کنند. ولی در بوسنی جمعیت آن‌ها مخلوط است و یکی از مشکلات مسلمانان این است که پراکنده هستند و شرایط بوسنی با آلبانی، کوزوو و سنجک متفاوت است و در آنجا مسلمانان جمع هستند و اگر مسیحی هم باشد در اقلیت هستند و حاکمیت به دست مسلمانان است چه به شکل قومی و چه به شکل مذهبی، و چیز عجیبی است که در آن منطقه از مخالفتی که با قبرستان می‌کنند به مراتب از مسجد بیشتر است. برای نمونه در شهر زاگرب مسلمانان مسجد با عظمتی ساخته‌اند ولی اجازه قبرستان به آن‌ها نمی‌دهند و در فرهنگ مردم آن منطقه قبرستان از مسجد مهمتر است.

#### سوال: نقش آمریکا و صهیونیست در آنجا چگونه است؟

**دکتر آسایش:** در این بخش سیاست صهیونیست و آمریکا به دو بخش تقسیم می‌شود. ۱. سیاست رسمی ۲. سیاست واقعی و تحقیقاتی. واقعیت این است که در آن منطقه، زمانی که اندلس به دست مسیحیان در سال ۱۳۷۵ میلادی فتح شد، مسلمانان در آنجا در تنگنا قرار گرفتند و تعدادی از مسلمانان آندلس و تعدادی از یهودیان آندلس به ساریوو مهاجرت کردند و یهودیان به طور کلی خودشان را به بوسنیایی‌ها بدهکار می‌دانند، شما ببینید هر کجا که ج.ا.ا. ورود می‌کند، اسرائیلی‌ها بر علیه جمهوری اسلامی تبلیغ می‌کنند. ولی در بوسنی کاری به کار ما نداشتند. چون می‌خواهند آنجا نفوذ داشته باشند و آمریکا هم همین سیاست را دارد. هدف ما تقویت مسلمانان است آن‌ها هم در بالکان هدفشان تضعیف مسلمانان نیست. یک زمانی یک خبرنگاری از من سوال کرد که چرا ایران و آمریکا در بوسنی با هم همکاری دارند ولی در کشورهای دیگر این چنین نیست؟ من گفتم: امیدوارم همینطور که آمریکا در بوسنی از سیاست‌های ما پیروی می‌کند در جاهای دیگر هم بداند که کارهایی که می‌کند اشتباه است و از ما پیروی کند. اساس وضعیتی که در آن منطقه است، در این نکته است که صف بندی‌های قدرت‌های بزرگ در بالکان انجام شده است و موضع اروپا و روسیه مشخص است و آمریکا برای حضور در آنجا راهی جز حمایت از مسلمانان ندارد و اگر از مسلمانان حمایت نکند حضور او از آنجا قطع خواهد شد. و به هر دلیل برای حضور در آن منطقه استراتژیک، مواضع این چنینی باید داشته باشد. شاید در یک کشور منطقه آمریکا صد در صد بر علیه مسلمانان است ولی شرایط آن منطقه

این طور است.

**سؤال:** مقام معظم رهبری فرمودند: همه مسائل ما باید خاستگاه فرهنگی داشته باشد، بنابراین علی رغم این که ج.ا.ا، خدمات بسیار زیادی در بالکان داشته و اگر حمایت‌های جمهوری اسلامی به صورت بدون توقع نبود شاید آینده سیاسی بوسنی امروز اینگونه نبود. و اگر بخواهیم بگوییم ماندگاری بوسنی سه پایه داشته است قطعاً یکی از پایه‌های اصلی آن حمایت‌های جمهوری اسلامی و کمک‌های جدی آن بوده است. ولی این حمایت و اهمیت و اولویت در مسائل بالکان را بعد از دوران جنگ آن طور که ما در دوره جنگ وارد شدیم نمی بینیم و ظهور و بروز آن کم است و ما نتوانستیم از آن موقعیت ویژه‌ای که داشتیم در بالکان خصوصاً در بوسنی بهره ببریم و نکته دوم بحث کوزوو است، الان وضعیت سیاسی کوزوو در آینده چه خواهد بود، چرا جمهوری اسلامی، کوزوو را به رسمیت نشناخته است و آیا این بحث معادلات و ارتباطات شرق و غرب است و یا ارتباط ما با روسیه باعث شده که درباره کوزوو به صورت جدی وارد نشویم؟

**دکتر آسایش:** در قسمت اول سخن شما مسأله واقعا این طور است که شما گفتید یعنی اگر کمک‌های جمهوری اسلامی به مسلمانان نبود معلوم نبود که چه اتفاقی می افتاد. مثلاً اگر به یک آپارتمان ۸۰ متری می رفتیم می گفتند یک طرف آن امن است و طرف دیگر آن امن نیست. در چنین شرایطی جمهوری اسلامی تا سر حد امکان تلاش کرده است و در هیچ رده‌ای کم نگذاشته است. در هر صورت جمهوری اسلامی از هیچ کمکی فروگذاری نکرد. این که چه شده است حالا این طور شده است. معتقدم که کلیه مقامات بوسنی چه مسئول و غیرمسئول هم به این موضوع واقف هستند و نه تنها بوسنیایی‌ها بلکه مسلمانان منطقه این را می دانند، چون اگر بوسنی ضعیف باشد آن‌ها هم تضعیف خواهند شد. بوسنی یک کشور اسلامی نیست و فرق آن با کوزوو و آلبانی این است که آنجا مسلمانان در اکثریت هستند و در بوسنی بزرگترین گروه را مسلمانان دارند ولی در عین حال در اقلیت هستند و مجموع صرب‌ها و کروات‌ها اکثریت بوسنی را دارند و کشور را این سه گروه اداره می کنند و صربها دنبال این هستند که بگویند شما نفوذی جمهوری اسلامی هستید و با توجه به مشکلات بین‌المللی که با آمریکا داریم آن‌ها از این موضوع سوء استفاده می کنند و به نظرم این است که مسلمانان سعی می کنند در ظاهر

روابط را کمتر کنند. در همین سه روز قبل که کاراجیچ در دادگاه لاهه حضور پیدا می کند و در مقابل قاضی دادگاه که سوال می کند که چرا در سربنیسکا قتل عام کردید، در پاسخ گفته است، چون جمهوری اسلامی کمک‌های نظامی به آن‌ها می کرد باعث طولانی شدن جنگ شده بود و دادگاه هم نماینده ایران را احضار کرده است. ولی در اصل مطلب و قدرشناسی مسلمانان منطقه از نظر خودشان جای هیچ شک و تردیدی نیست.

**سوال:** با توجه به شرایط جدید جامعه المصطفی<sup>(ص)</sup> و سابقه فعالیت در آنجا و وضعیتی که الان در آنجا حاکم است فعالیت‌های جامعه المصطفی<sup>(ص)</sup> را چطور ارزیابی می کنید و چه پیشنهادهایی برای آینده دارید؟

**دکتر آسایش:** با توجه به امکاناتی که جامعه المصطفی<sup>(ص)</sup> در جهت تحصیل دارد، در وهله اول افراد ممتاز مدارس مذهبی آنجا را در مقطع فوق لیسانس و دکترا بورس کند، که بیایند اینجا تحصیل کنند و فعالیت فرهنگی و علمی بسیار مؤثر و مفید است، البته همکاری دانشگاهی در آنجا خوب است. در آنجا، دادن بورس به شاگردان خوب آن‌ها در مقاطع فوق لیسانس و دکتری خیلی آسان است.

مسلمانان بالکان، مسلمانان روشنی هستند و بعضاً ممکن است ما به یک سنبل‌های خاصی توجه کنیم. مثلاً همیشه می‌گفتم که اگر در آن منطقه بخواهیم بدانیم که چه کسی بیشتر مسلمان است باید به نمازخوان‌ها توجه کنیم چون درصد نمازخوان‌های آن‌ها خیلی زیاد است تا نسبت به مسائل حجاب اگر به حجاب نگاه کنیم خیلی دستگیر ما نخواهد شد.

**سؤال:** با وجود طریقت‌های مختلفی که در منطقه بالکان وجود دارد. اولاً در حال حاضر آن طریقت‌ها چقدر در بین مردم نفوذ دارند و دوم این که جامعه المصطفی<sup>(ص)</sup> از این طریقت‌ها در راه گسترش تشیع یا اهداف دیگری می‌تواند استفاده کند؟

**دکتر آسایش:** منظور از طریقت‌ها همان صوفی‌ها است. اولاً در منطقه صوفیان مختلفی وجود دارد بعضی از آن‌ها ریشه در تشیع و بعضی‌ها هم ریشه در تسنن دارد و آن‌ها هم با جمهوری اسلامی خوب هستند و افراد خوبی هم هستند ولی واقعیت این است که آن‌ها در منطقه در اقلیت هستند. البته در منطقه بالکان بحث شیعه و سنی کمتر مطرح است و اسلام انقلابی و غیرانقلابی بیشتر مطرح است مردم آنجا بیشتر به تشیع

نزدیک هستند تا به تسنن. آن‌ها به اهل بیت<sup>(ع)</sup> احترام می‌گذارند. و حتی در بوسنی آشی به نام عاشورا می‌پزند و ۷۲ تا چیز در آن می‌ریزند و به یاد ۷۲ تن از یاران امام حسین<sup>(ع)</sup>، یا در مسجد زاگرب در هشتم و نهم و دهم محرم، سمیناری با عنوان «محرم» برگزار می‌کنند. خوشبختانه تعصباتی که در جاهای دیگر وجود دارد در آنجا نیست. ارتباط با گروه‌های تصوف خوب است و آن‌ها هم افراد خوبی هستند ولی باید به این نکته توجه شود که تأثیرگذاری آنان در بین مسلمانان در یک محدوده‌ای است و نمی‌توانند تأثیرگذاری فراگیری داشته باشند.

**دبیر جلسه:** از سخنران محترم و همچنین سروران ارجمند حاضر در جلسه، خصوصاً دانشجویان و مهمانانی که اهل منطقه بالکان هستند تشکر می‌کنم. هنوز بسیاری از ابواب موضوع، باقی مانده و احتیاج به بحث دارد و این نشان از اهمیت کار فرهنگی در بالکان را دارد؛ امید است در نشست‌های بعدی به صورت مبسوط به این مباحث پرداخته شود.

